

قسمت دوم بخش نهم کتاب زمان انتخاب

اسلام گرایی و تروریسم

ناهد شید ۲۸ آبان ۲۵۴۹

۱۹ نوامبر ۲۰۱۰

امیرفیض- حقوقدان

در قسمت اول بخش نهم کتاب «زمان انتخاب» سوالات مصاحبه کننده و پاسخ اعلیحضرت تجزیه و تحلیل گردید و از آنجا که سوالات ارتباطی به اسلام و رابطه آن با تروریسم نداشت قرار بر این شد که مسئله اسلام و رابطه آن با تروریسم به فرصت دیگری که اکنون است موکول شود بنابراین اجازه می‌خواهد که عنوان انتخابی برای این تحقیق، چتر وحشت باشد

چتر وحشت

در این تحقیق، ترور به معنای وحشت، که اقتباس از واژه فرانسوی ترور است گرفته شده است ترور را دنیای می‌شناسند یکی ایجاد وحشت و ترس و دیگری که ترورمادی است از قوه به فعل در آوردن وحشت است که معمولاً با کشتار و خرابی و امثال آنها توأم می‌باشد.

بامقدمه کلیدی که ارائه گردید اکنون به اتفاق به اثبات این حقیقت می‌رویم که تمامی مردم دنیا اعم از مسلمانان و یا پیروان ادیان دیگر به استثنای کسانی که بسیار، دشوار و زده بینی، ممکن است آنها را یافت زیر چتر وحشت و خوف اسلام قرار دارند.

غیر مسلمانان و چتر وحشت اسلام

عموم غیر مسلمانان جهان اعم از غیر مسلمانان دارای کتاب و یابی کتاب بدون اینکه خود آگاه باشند زیر چتر وحشت و خشونت اسلام قرار دارند.

این چتر وحشت دائم راقران گشوده است توضیح اینکه اسلام بموجب احکامی که در قرآن آمده موقعیتی برای مسلمان در مقابل غیر مسلمانان قائل شده است که بطور طبیعی ایجاد کننده حالت وحشت مدام است.

غیر مسلمانان همواره در معرض مخاطره جهاد مسلمانان قرار دارند این خود از عوامل وحشت است. آزادی مسلمانان در کیفیت جهاد با کفار و تصرف مال و ناموس و جان کفار، نشان می‌دهد که وحشت در حد اعلای ممکن، کاملاً بالای سر غیر مسلمانان مترصد ناکار ساختن آنان است. درست است که جزیه دادن کفار و یا گرویدن به اسلام، زائل کننده وحشت از جهاد است ولی جزیه دادن (مالیات سرانه زنده بودن) و یا ترک دین و گرویدن با اسلام در واقع معامله وحشت با اکره است که این خود نوعی از وحشت است چرا که هر چیزی که به مناسبت ترس و وحشت بوجود آید ریشه اش از وحشت و وحشت است.

مسلمانان و چتر وحشت

چتر وحشت اسلام تنها متوجه کفار یعنی غیر مسلمانان نیست بلکه تمامی مسلمانان را نیز در بر می‌گیرد بدون اینکه به این مهم که در کتاب آنها آگهی شده باشد، حساسیتی داشته باشند.

ممکن است خواننده این تحقیق، از تسری و شمول وحشت اسلام، به مسلمانان تعجب کنند ولی تصور می‌کنم که ملاحظات زیر، زمینه تبدیل حیرت رابه یقین فراهم سازد.

ملاحظه اول

از آنجاکه همه مسمانان، انسان هستند لذا از علاقه به حیات و زندگی دنیوی و رفاه و آسایش و تحصیل درآمد و امثال آنها که از خصوصیات و طبیعت انسان است بهره مند میباشند و تلاش آنها در هر ابعدی که باشد متوجه و نشنت یافته از علاقه و عشق به زندگی و مراتب و مزایای آن است و این همان است که مسلمانان بدون اینکه خود آگاه باشند خود را هر چه بیشتر به زیر چتر وحشت اسلام میکشانند.

جای تردید نیست که اسناد اسلام که معتبرترین آنها قرآن است علاقه و دلپستگی به زندگانی دنیوی و دستاوردهای آنرا از پیروان خود سلب کرده است. این دقت لازم است که عدم علاقه به زندگی دنیوی بصورت پند و اندرز و انتخاب بد و خوب در قرآن به حکم نیامده بلکه علاقمندان به زندگی دنیوی و دستاوردهای آن، به مجازاتهای بسیار سختی تهدید شده اند. از باب نمونه، در آیه ۱۰ سوره اعراف، کسانی که به زندگی آرام، گرفته اند و از زندگی خشنود شده اند و همچنین آنان که از آیات خدا غافل شده اند به آتش دوزخ حواله شده اند. دقت در آیه مزبور نشان میدهد که عشق به زندگی و عادت کردن به زندگی، آنقدر مورد نهي و مذمت قرآن قرار گرفته که آنرا در ردیف غافل شدن از آیات دیگر قرآن گرفته است یعنی به هیچ گرفتن قرآن.

بد نیست به بینیم که آتش دوزخی که خدا برای دوستداران زندگی و علاقه به دنیا تدارک و وعده داده است چیست و کیفیت دستگیری دوستداران و علاقمندان به زندگی و فعالین برای زندگی بهتر چگونه است؟

قرآن در آیه ۳۱ سوره الحاقه، کیفیت دستگیری دوستداران زندگی را اینطور تشریح کرده است: «از مصدر خداوند جبار فرمان صادر میشود به فرشتگان غضب که بگیرند او را > آنکس که دوستدار زندگی است < و بازنجیرهایی بطول ۷۰ ذرع زنجیر کنید» برای اینکه سوء تفاهم نشود که چون خدا به صفت مهربانی شهرت یافته و تصور شود که آن زنجیرها از الطاف حریر ساخته شده قرآن در آیه ۳۷ سوره مومن از چگونگی مصالحی که در آن زنجیرهای کاررفته سخن گفته است «آن زنجیرها از غل های سنگین از آتش ساخته شده است» از آنجا که قرآن کامل است [!!!] از غذای آن بیچارگانی که به زندگی علاقمند بوده و با طبیعت انسانها خو گرفته است هم صحبت و تعیین تکلیف کرده است؛ قرآن در آیه ۳۶ الحاقه میگوید غذای آن افراد را چرک و جراثیم است» در آیه ۲۹ سوره الکهف آمده که به هنگام عطش و تشنگی آبی چون فلز گداخته که بریان میکند روی آنها را به آنها داده میشود (صد رحمت به شمر).

در آیه ۲۰ سوره الحج لباس زندانیان تشریح شده و میگوید لباس زندانیان از آتش دوخته شده و پرو گردیده است.

قرآن مدت زندان زندانی را هم تعیین کرده که میگوید «مدت زندانی ابدی است». امام صادق در تفسیر آیه مزبور (۲۱ سوره نساء) گفته است که مسلمین پس از گذشت مدتی که > احقاب < نامیده میشوند از زندان خلاص میشوند و احقاب ۸ جفت است و هر جفت ۸۰ سال و هرسالی ۳۶۰ روز و هر روزی ۱۰۰۰ سال از سالهایی است که مامیشناسیم (یعنی در مجموع بعد از بیست و سه میلیون و چهار صد هزار سال) زندانی بخشیده میشود.^۱

مزایا و دلپستگی به دنیا

برای اینکه بتوانیم از این تحقیق به استفاده ای که مورد نظر است برسیم لازم است به بینیم که مزایا و دستاوردهای زندگی دنیوی از نظر قرآن چیست که چنین مجازاتهای غیر قابل تصور برای آن در قرآن مقرر شده است قرآن در آیه ۱۲

^۱ احمدی نژاد هم در ماه آبان ۲۵۴۹ (نوامبر ۲۰۱۰) محاسبه ای شبیه این را در باره پس انداز برای کودکان ارائه کرده است. او محاسبه کرده بود اگر روزی ۲۰ تومان (۲۰ هزار ریال) برای فرزندان پس انداز شود پس از ۲۰ سال ۵۰ میلیون تومان ذخیره می شود. چگونه؟

۲۰×۳۶۵×۲۰ = ۱۴۶۰۰۰ (بیست و سه سال معادل ۱۴۶ هزار تومان خواهد شد) پنجاه میلیون کجا و ۵۰ میلیون کجا، از قرار همه مذهبیبون از جمله قرآن در درس ریاضیات و محاسبه بسیار ضعیف و خارج از قاعده و قوانین تشریف دارند. ح-ک

سوره آل عمران مزایای زندگی را بشرح زیر احصاء کرده است زن، فرزند، مالهای زیاد انبوه شده، نقره و اسبان و شتر و گاو و گوسفند و زراعت.

شاید خوانندگان این تحریر تعجب کنند که قرآن فرزندان را در ردیف گاو و گوسفند قرار داده ولی توجه به آیه ۱۹ سوره الحمد موردی برای تعجب باقی نمیگذارد آیه میگوید: «بدرستی که زندگی دنیا لهو است و زینت و تفاخرمیانان کثرت اموال و اولاد است»

تفاوت چتر خشونت کفار با مسلمانان

تفاوت چتر خشونتی که مسلمانان رابه زیر گرفته با چتر خشونتی که کفار را شامل میشود در این است که، مجری خشونت، در چتر خشونت علیه کفار، مسلمانان هستند و هم در همین دنیا خشونت از قوه به فعل درمیاید، ولی در چتر خشونت علیه مسلمانان اولاً مجری یعنی جلا د خداوند است و خشونت هم بشرحی که یاد شد در آن دنیا اجرا میگردد.

چتر خشونت اسلام در هیچ شرائطی بسته نمیشود حتی اگر کفار، مسلمان شوند در این صورت بطور طبیعی بدون نیاز به تشریفات به زیر چتر خشونت ناشی از علاقمندی به دنیا در خواهند آمد یعنی هم مجری مجازات و هم کیفیت مجازات و هم محل مجازات تغییر میکند.

رابطه تروریسم و اسلام

اسلام حالت جهادی را که علیه کفار مقرر کرده کلی است که ترور و آدم ربائی و امثال آنرا کاملاً شامل و مورد تائید و حمایت قرار میدهد زیرا حقوقی که اسلام در جهاد علیه کفار برای مسلمان قائل شده دقیق و استخراج از آیات قرآن و سنت است و در آن، هرگز ترور بهر شکلی از اشکال ممنوع نگردیده است و نگاهی به ترور مخالفین محمد که بادیستور خود او به اجرا درآمد نشان میدهد که اولاً مخالفت با حکومت و حاکم اسلامی باب ترور مخالف را میگشاید و دوم اینکه ترور مخالف زن و مرد و بیرو جوان نمیشناسد چنانکه بادیستور محمد افک شاعر پیری که محمد را با اشعارش آزده کرده بود محمد گفت کیست که «سزای زبان افک را با سرش بدهد» و شخصی بنام «سالم بن عمیر» داوطلب این ترور شد و سرافک رابه محمد تقدیم کرد - عصماء دختر مروان - قرینه - هنه، زنائی بودند که باشعر محمد را وقتی که در مکه بود تمسخر کرده بودند یعنی سالها قبل از اینکه محمد مکه را فتح کند معهداً گذشت زمان در لزوم ترور آنها هم موثر نبود و ترور شدند.

غرض از توضیحات

غرض از توضیحات مستند فوق تحصیل دومورد است یکی خشونت عام در اسلام نسبت به تمامی انسان ها با استثنای کسانی که مومن به اسلام باشند یعنی تمام احکام و آیات قرآن را دقیقاً رعایت کنند و از جمله به زندگی دنیوی و راحتی و در آمد و رفاه بی علاقه باشند.

دوم اینکه ترور و آدم ربائی در صورتی که ترور شونده کافر باشد و یا مخالف حکومت و حاکم اسلامی باشد، جزء لایتنجزای اسلام است.

آیا راه حلی پیش بینی شده است؟

در مورد چتر خشونتی که اسلام بر سردستاناران زندگی و علاقه به دستاورهای آن دارند هیچ راه حلی پیش بینی نشده است حتی در آیه بی که میگوید «به اندازه ای که بنده ای، به دنیا میل کند، آنقدر محبت خودم را از دل او بیرون آورم زیرا محبت خودم را با محبت دنیادریک دل جمع نمیکنم» جای بحث و گله گذاری را مسدود ساخته است.

و اما در مورد چتر خشونت مسلمانان علیه غیر مسلمانان قرآن راه حلی را مقرر کرده است .

توضیح اینکه - همانطور که در حقوق مدرن جزایی بابتی بعنوان تعلیق مجازات که در حقوق خارجی < پرو > مینامند وجود دارد در قرآن نیز آیه ۶۰ سوره انفال، همان حکم تعلیق مجازات را دارد و قرآن به مسلمانان اجازه داده با کفاری که به مسلمانان آزار نمیرسانند و آنها را از سرزمین و خانه هایشان بیرون نکرده اند حالت خشونت را معلق سازند که خداهم از این عمل آنها راضی خواهد بود.

سابقه برای ختم مقال

سابقه تاریخی نشان میدهد بآنکه قرآن حالت خشونت و جهاد دائم را بین مسلمانان و کفار مورد حکم واز واجبات دانسته است معهداً مسلمانان روابط خورباکفار بر اساس آیه ۶۰ سوره انفال قرار داده بودند و این تصمیم عمومی مسلمانان علیرغم حکم شرعی دین اسلام نسبت به کفار بود که آنها را نجس میشناخت < نجس و صفی است که به نجاست داده شده است >. در اواسط سلطنت قاجاریه وقتی فرستاده های پادشاه انگلیس به دربار ایران آمدند جای پای آنها را خاکسترمیریختند که نجاست آن پخش نشود با وجود این حساسیت معهداً حکم جهاد و اعمال خشونت علیه کفار راتحت الشعاع آیه ۶۰ قرار دادند زیرا خارجیان نه مسلمانان را از دیار خودشان بیرون میکردند و نه در حکومت و زندگی و آنها دخالت مینمودند حتی دریافت جزیه نیز در اواسط دوران قاجار منسوخ گردید (کاری خلاف اسلام).

آیه ۶۰ و تعلیق خشونت مسلمانان بر غیر مسلمانان از زمانی متوقف شد که خارجیان باب دخالت واقعی بر مسلمانان را گشودند. در ایران بمناسبت دخالت خارجیان در امور ایران شاهنشاهی و حاکم ساختن خوکهای وابسته به خودشان حدود ۳ میلیون ایرانی آواره شدند. در عراق یک میلیون آواره و یک میلیون کشته و یک میلیون ناقص العضو شده اند در افغانستان هم همین وضع و شاید بدتر در سودان، در فلسطین و در تمام کشورهای اسلامی رفتاری از طرف کشورهای خارجی صورت میگردد که بوضوح نشان میدهد که این خارجیان بودند و هستند که نخواستند مسلمانان از تعلیق خشونت که میتوانست بصورت ابدی درآید استفاده کنند.

راه حل چیست

اصالت راه حل را میتوان از پاسخ به یک پرسش بدست آورد. پرسش این است که از میلیارد نفر مسلمان جهان آیا کسانی را میتوان یافت آنطور که اسلام حکم دارد به زندگانی دنیوی و مزایا و دستاوردهای آن و ثروت و مال و منال بیعلاقه باشد؟ مسلماً پاسخ نه خواهد بود؛ زیرا آنچه قرآن حکم داده و از پیروانش خواسته و عدم رعایت آنرا بشکونجه های ابدی دوزخ مجازات میکند از قواعد طبیعی است که حتی در حیوانات هم ظهور دارد.

در این بیت معروف میخوانیم

یارب تو جمال آن مه مهرانگز آراسته ای به سنبل و عنبر و یوبز

پس حکم همی کنی که دروی منگر این حکم چنان بود که کجدار و مریز

مفهوم این بیت این است که دستور قرآن با طبیعت انسان و حتی آفرینشی که به خدا نسبت داده شده همخوانی ندارد و مردم مسلمان علیرغم تصریحات و محدودیتهای دینی بسوی پیشرفت و تمدن و آسایش و در مجموع علاقمندی به زندگی دنیوی پیش میروند.

اگر به سیر پیشروی مسلمانان بسوی ترقی و استفاده از وسایل و اسباب رفاه زندگی و انتخاب و سائل نقلیه و امثال آنها در طول یکی دو قرن اخیر توجه شود چنین پیشرفتی که اسلام هم آنها بسختی نهی کرده حیرت آور است < دکتر گوستاولویون > که شخصاً در سرتاسر عربستان گردش تفحصی داشته معتقد است؛ < در زندگی اعراب بادیه نشین از عصر سلیمان تا زمان اسلام و زمان حاضر فرق محسوسی پیدانشده >

آیا اکنون هم در عربستان و یاسایر کشورهای اسلامی همان وضع قرون گذشته است و یاهمه مسلمانان آن دیار، همسنگ کفار در تقلائی زندگی بهتر و آسایش و درآمد بیشتر هستند؟ این حقیقت عینی ثابت میکند که زمان، عاملی است که اسلام را

از گردونه اجرائی خارج میسازد و مسلمانان بدون حذف اسلام و احترام به تنوری های آن، از اسلام اجرائی عبور خواهند کرد. این موفقیت در صورتی نصیب جامعه جهانی خواهد شد که کشورهای خارجی به مسلمانان کاری و مزاحمتی و تجاوزی نداشته باشند، رهاکردن اسلام و مسلمانان به حال خودشان عملاً اسلام رابه دو قسمت خواهد کرد یک قسمت اسلام تهذیبی و اخلاقی است که هم در طبیعت بشر و هم در همه ادیان هم هست و قسمت دوم که اسلام اجرائی و حکومتی است و باب جهاد و خشونت و ترور می‌گشاید عدم دخالت خارجی‌ان در امور کشورهای اسلامی و تحقیر مسلمانان سبب خواهد شد که مسلمانان بطور طبیعی به اجرای آیه ۶۰ سوره انفال کشیده شوند.

آیا خارجی‌ان مایلند که درگیری و مخاصمات و خشونت‌های بین مسلمانان و آنها پایان یابد پاسخ مستند این تحریر، نه محکم است.

عامل اصلی بی ثباتی منطقه

اعلیحضرت در این بخش از کتابشان <عامل اصلی بی ثباتی منطقه رادر ۳۰ سال گذشته جمهوری اسلامی دانسته اند و اضافه کرده اند که اگر ایران بدست جمهوری اسلامی نمیافتاد.....>

اظهار نظر اعلیحضرت از باب ظاهر درست است چنانکه وقتی چاقو دست کسی رامیبرد، همه میگویند: <چاقو دستش را بریده است> زیرا رابطه علت و معلول در رویدادها چندان آشکار نیست. یاد دارم که اعلیحضرت در سالهای قبل به مناسبتی رویدادهای جهان رابه کوهی از یخ تشبیه فرمودند که فقط نوک آن از آب بیرون است و برای شناخت عظمت آن نمیتوان به همان چیزی که دیده میشود اکتفا کرد.

حیوان درنده ای که سالها در قفس نگهداری شده کسانی (آمریکا و انگلستان) با سوء استفاده از روابط دوستی و اعتماد، در آن قفس راباز میکنند و حیوان درنده رابه میان مردم هدایت میکنند، آیا در این صورت میتوان گفت عاملی که این جنایت و بی ثباتی جهانی رابوجود آورده همان حیوان وحشی است؟ آیا دادگاه عقل و انصاف آن حیوان رامحکوم میکند و یا آن کسانی که موجبات حضور آن حیوان رادر جامعه آرام جهانی ترغیب و باحمایت خود قوت بخشیدند؟

نتیجه ای تطبیقی

آیا برای بیرون راندن این حیوان وحشی از کشورمان، درست است که از حیواناتی وحشی و بمزاتب قوی تر و درنده تر بخواهیم که از زمین و هوا این حیوانات درنده حاکم را از کشورمان بیرون کنند و یا عرف و عادت ما مردم چنین است که وقتی حیوانات وحشی به مزارع و دهات حمله میکنند کدخدای ده جلومی افتد و مردان و جوانان و زنان به پامیخیزند و به بیرون راندن و کشتن آن حیوانات مزاحم میپردازند و در این حالت است که مردم روستاهای دیگر هم به کمک اهل ده خواهند آمد ولی آیا اگر کدخدا نجیب و گهگاه از مردم روستاهای دیگریاری خواست که بیایند و مزارع را از حیوانات مهاجم پاک کنند و مردم روستاها اعتنائی به التماس های او نداشته باشند در این جریان کدخدا مسنول است و یا <جامعه جهانی>؟

تو خود حدیث مفصل بخوان از این تطبیق